

## **Tradition Studies: A New Approach to Futurology (Tradition of Sustenance)**

**Ali Reza Afzali<sup>-</sup>**  
**Reza Mohammad Reza Beyki<sup>-</sup>**

Received: 06/09/2017

Accepted: 04/01/2020

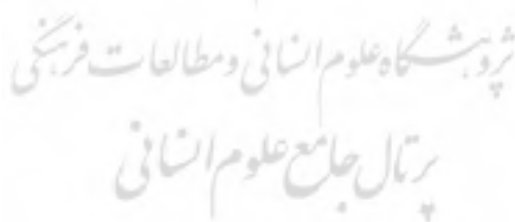
### **Abstract**

Divine traditions are God's rules of creation. Knowing these in various fields of science, especially in futures studies, are of great assistance. Tradition studies offer a modern approach to futurology by affording how to use traditions to estimate the future and its structure. This is an exploration of divine traditions, explanation of different circumstances and the way of their occurrence and recognition of how they interact for assisting us to understand future events.

Sustenance is one of the traditions that God has decreed for His creation and through it He provides the needs of His servants. This article seeks to explain the tradition of sustenance in light of the verses of the Qur'an and the narrations of *Ahl al-Bayt* (Holy Prophet's Household). Moreover, based on the Holy Verses and *Hadiths* (Traditions), the sub-traditions that lead to providing sustenance are explained. In total, this article addresses twenty rules associated with sustenance.

### **Keywords**

Islamic Futurology; Tradition Studies; Divine Traditions; Tradition of Sustenance; Sub-Traditions.



---

<sup>-</sup> Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). a.afzali@isu.ac.ir

<sup>-</sup> Graduate of Islamic Studies and Industrial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. r.beiki@isu.ac.ir

## سنت پژوهی: رویکردی نوین در آینده پژوهی (نظام سنت رزق)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴  
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰۷ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

علیرضا افزلی -  
رضا محمدرضاییکی\*\*

### چکیده

سنن الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود بر عالم تکوین را جاری می‌سازد. استفاده از این سنن در حوزه‌های دانشی گوناگون، به‌ویژه در آینده‌پژوهی، می‌تواند مفید واقع شود. سنت پژوهی به‌عنوان رویکردی نوین در آینده‌پژوهی در جهت استفاده از سنن برای برآورد و تخمین آینده و همچنین ساخت آن معرفی می‌شود. سنت پژوهی، پژوهش در سنت‌های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها و تبیین چگونگی نحوه تعامل سنن با یکدیگر در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده است.

در این تحقیق به‌عنوان مطالعه موردی از رویکرد سنت پژوهی، سنت رزق مورد بحث قرار می‌گیرد. سنت رزق از جمله سنت‌هایی است که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و مبتنی بر آن، روزی بندگان خود را تدبیر می‌فرماید. جریان سنت رزق در عالم خلقت، براساس خرده سنت‌هایی تحقق پیدا می‌کند که در این مقاله مبتنی بر آیات و روایات، این خرده سنت‌ها در قالب قوانین خداوند در روزی‌رسانی تبیین شده است. در مجموع این مقاله به ۲۰ قانون مرتبط با رزق و نظام حاکم بر آنها اشاره می‌کند.

### واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی اسلامی؛ سنت پژوهی؛ سنن الهی؛ سنت رزق؛ خرده سنت.

- استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
a.afzali@isu.ac.ir  
\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران  
r.beiki@isu.ac.ir

#### مقدمه

یکی از آموزه‌هایی که به روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی را در جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام به خود اختصاص داده است، آموزه سنن الهی است. سنن الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود بر عالم تکوین را جاری می‌سازد. عالمی که در آن زندگی می‌کنیم، در تمامی ساحت‌ها دارای قوانین و اصولی است. پدیده‌های جهان، محکوم یک سری قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند. به تعبیر دیگر خداوند شیوه‌های معینی دارد که گردش امور هستی، هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌پذیرد. تحقق اراده الهی در عالم وجود از طریق همین قوانین ثابت، پایدار و مستمر است. بدیهی است شناخت این قوانین که سرنوشت دنیوی و اخروی بشر در گرو آنها قرار دارد، بسیار ضروری است. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آنها، باعث می‌شود تا اراده انسان در راستای مدار حق و مشیت الهی قرار گرفته و هماهنگ با اراده خداوند شود و در نتیجه فعالیت و تلاش او از ثمره لازم برخوردار گردد؛ چراکه در این حالت عوامل مادی مطابق با عوامل معنوی و در راستای آن قرار گرفته و در نتیجه فعل او از قدرت و اراده خداوندی برخوردار می‌شود که در نهایت، صلاحیت استقرار و بقا را خواهد داشت.

شناخت این سنن و احتساب آنها در حوزه‌های مختلف علمی، خصوصاً علوم اجتماعی، می‌تواند بسیار مفید واقع شود. در این بین می‌توان به دلالت‌های سنن الهی بر حوزه دانشی آینده‌پژوهی اشاره کرد که تأثیراتی شگرف بر این حوزه دانشی دارد. استخراج، شناخت و تبیین این قوانین، می‌تواند در تحلیل و تبیین آینده و همچنین ساخت آن کمک کند. به عنوان یکی از این دلالت‌ها، می‌توان به «سنت پژوهی» به عنوان رویکردی نوین در برآورد و تخمین آینده اشاره کرد. سنت پژوهی، پژوهش در سنت‌های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها و تبیین چگونگی نحوه تعامل سنن با یکدیگر در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده هست. این روش دربرگیرنده چند گام ذیل است (افضلی، پورعزت و گودرزی، ۱۳۹۶، صص. ۲۵۵-۲۸۴):

≠ جمع‌آوری و احصاء کامل سنن و ویژگی‌های هر یک از آنها از منابع کشف سنن (آیات و روایات)؛

- ≠ طبقه‌بندی سنن؛
- ≠ کشف و تبیین نظام حاکم بر سنن و تبیین نحوه تعامل و مراوده سنن با یکدیگر؛
- ≠ تطبیق نظام به‌دست‌آمده بر روی مصداق‌های خارجی گذشته؛
- ≠ تبیین و تحلیل وقایع آینده با توجه به نظام سنن.

براساس این رویکرد، می‌توان آینده را بهتر و بعضاً دقیق‌تر، تبیین کرد و در ساخت و تحقق آن از سنن الهی کمک گرفت. در این امتداد، مبتنی بر نظام مستخرج از سنن، می‌توان مسائل گوناگون آینده را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و براساس آن، تجویزهایی را برای آینده ارائه داد. کافی است که بتوان سنن و نظام حاکم بر آنها را به شکل مناسب استخراج کرد. برای کشف این نظام، لازم است هر یک از گام‌های مذکور به شکل دقیق دنبال شود. در ابتدایی‌ترین گام لازم است هر یک از سنن الهی، به شکل دقیق استخراج‌شده و تبیین شود. در این راستا به‌عنوان نمونه اول، سنن مرتبط با جریان رزق در این مقاله مورد هدف است تا بتوان سنت‌هایی که بیان‌کننده رزق و روزی هستند را به شکل جامع و دقیق استخراج کرد و در نهایت، نظام حاکم بر آنها مورد تبیین واقع شود. در گام بعد پس از احصاء دقیق سایر سنن الهی به شکل مذکور و کشف نحوه تعامل آنها با یکدیگر، می‌توان به‌نظام حاکم بر سنن الهی دست‌یافت و براساس آن پدیده‌های گوناگون را مورد تحلیل قرار داد.

مقاله حاضر به دنبال تبیین سنت رزق و خرده سنت‌های مرتبط با آن است. رزق، خود یکی از سنت‌های الهی است که جریان آن در عالم خلقت، در چارچوب قواعد و قوانینی تحقق پیدا می‌کند که آنها در کنار یکدیگر، نشان‌دهنده چگونگی تحقق سنت رزق و جاری شدن آن هستند. در این مقاله، این قواعد و قوانین به «خرده سنن» تعبیر شده‌اند که در سطحی پایین‌تر از سنت رزق، بیان‌کننده چگونگی جریان سنت رزق در عالم هستی هستند. به‌عبارت‌دیگر، سنت رزق مشتمل بر خرده سنت‌هایی است که نشان‌دهنده و تبیین‌کننده قوانینی است که خداوند در روزی دادن به بندگان خود طراحی کرده است. اهمیت این خرده سنت‌ها بدین دلیل است که در فهم سنت رزق و تحلیل پدیده‌ها براساس آن، نمی‌توان تنها به چند قانون بسنده کرد و براساس آنها، تحلیل ارائه داد؛ بلکه تحلیل‌های

دقیق، نیازمند احصاء جامع این خرده سنت‌ها و کشف نظام حاکم بر آنها و ارائه تحلیل جامع براساس همه آنها است. در این حالت است که می‌توان گفت، سنن الهی نظام‌مند بوده و براساس نگاه جامع به همه آنها، می‌توان به چارچوب شناختی و هنجاری بی‌بدیلی از عالم هستی دست‌یافت. لازم به ذکر است که این الگو و قالب را می‌توان در مورد دیگر سنن الهی نیز ارائه داد. به‌عنوان مثال می‌توان به سنت یاری اشاره کرد که خود دربرگیرنده خرده سنت‌هایی است که این خرده سنت‌ها در کنار یکدیگر، نشان‌دهنده و تبیین‌کننده چگونگی جاری شدن سنت یاری در عالم خلقت هستند.

با توجه به این مقدمه، سؤالات تحقیق را می‌توان این‌گونه بیان کرد: «سنت رزق» در آیات و روایات چگونه است؟ چه قواعد و قوانینی (خرده سنن) در جهت روزی دادن خداوند به بندگان در عالم خلقت وجود دارد؟ نظام حاکم بر سنت رزق چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤالات، مقاله در چند بخش ارائه می‌شود: در ابتدا مروری بر تحقیقات صورت گرفته ارائه خواهد شد؛ در ادامه تعریف رزق بیان می‌شود و به‌دنبال آن، قواعد و قوانین مرتبط با رزق براساس آیات و روایات موردبحث قرار می‌گیرد. درنهایت نیز نظام حاکم بر سنت رزق تبیین خواهد شد.

### ۱. روش پژوهش

این تحقیق براساس رویکرد موضوعی در بررسی آیات و روایات انجام شده است؛ بدین‌صورت که در ابتدا آیاتی که بیان‌کننده سنت رزق و چگونگی آن بوده‌اند، به شکل کامل احصاء شد. کلیدواژه‌ای که برای این تحقیق در احصاء آیات مرتبط با موضوع بحث می‌توان ارائه کرد، کلیدواژه «رزق» با تمام مشتقات آن است. ولی با توجه به کاستی‌هایی که در استفاده از کلیدواژه برای استخراج آیات وجود دارد، لازم دیده شد که کل آیات قرآن کریم از ابتدا تا انتها موردبررسی قرار گیرد تا بتوان تمام آیات مرتبط با موضوع را به شکل جامع احصاء کرد. در گام بعد برای تکمیل نظام به‌دست‌آمده، روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام موردبررسی قرار گرفت و روایات مرتبط با موضوع رزق از منابع روایی گوناگون به شکل جامع احصاء گردید. درنهایت بافهم دقیق روایات و واردکردن آن در نظام مستخرج از آیات و تجمیع بین آیات و روایات، خرده سنت‌های مرتبط با جریان

رزق و نظام حاکم بر آنها احصا شد. در این تحقیق، خرده سنت‌های مرتبط با جریان رزق در قالب بیست قانون ارائه شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع رزق با توجه به اهمیت آن در زندگی انسان، تاکنون پژوهش‌های گوناگون و متنوعی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله انجام شده است. در این تحقیق، در بررسی پیشینه، مستندات پژوهش‌های مذکور در پایگاه‌های اطلاعاتی پایان‌نامه‌ها، مقالات و همچنین کتاب‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در جدول شماره (۱) به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق، اعم از مقاله، کتاب و پایان‌نامه اشاره شده است.

جدول (۱): پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۱	یوسف‌وند (۱۳۹۷)	واکاوی عوامل بسط رزق مادی از منظر آیات و روایات	در این پایان‌نامه، با تدبیر در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی عوامل بسط رزق پرداخته شده است و این نتیجه حاصل شد که عوامل بسط رزق مادی، از جمله کاروتلاش، انفاق مالی، عبادت، احسان است.
۲	دریاب (۱۳۹۷)	بررسی ابعاد رزق و اثر متقابل اعمال و رزق در آیات و روایات	این پایان‌نامه با رویکرد تحلیلی و استناد به آیات و روایات به بررسی رزق، ابعاد آن و اثر متقابل اعمال و رزق می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که خداوند متعال برای تمامی مخلوقات روزی و رزق معینی را قرار داده است. کسب روزی حلال، علاوه بر تلاش و فعالیت؛ در گرو انجام و یا ترک برخی اعمال است. پس در تمام مراحل رشد انسانی باید به دریافت رزق و روزی توجه ویژه داشت؛ چراکه دارای تأثیر تکوینی در

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
			وجود انسان است و حلال یا حرام بودن آن، تمام زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.
۳	ابراهیم دخت مقدم (۱۳۹۲)	بررسی عوامل فردی و اجتماعی بسط و قدر رزق در آیات و روایات	این پایان‌نامه کاوشی در عوامل فردی و اجتماعی بسط و قدر رزق مادی از دیدگاه آیات و روایات است. در فصل سوم این تحقیق تناسب تقدیر روزی با عدالت الهی که یکی از مهم‌ترین شبهات در زمینه مقدر بودن روزی به حساب می‌آید، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در فصل چهارم به بررسی برخی عوامل افزایش رزق مادی در دو بخش کلی فردی و اجتماعی پرداخته است. در این فصل به چهل‌وشش عامل اشاره شده است. فصل پنجم نیز با عنوان عوامل قبض رزق، به بررسی عوامل کاهش رزق مادی در دو بخش فردی و اجتماعی پرداخته است؛ که حدود شصت عامل مورد بررسی قرار گرفته است.
۴	هادوی‌نیا (۱۳۸۷)	جایگاه اقتصادی سنت رزق	در این مقاله به مقایسه بین قانون‌های طبیعی و سنت‌های الهی می‌پردازد. در ادامه نیز معنای رزق مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این مقاله، از آموزه توحید افعالی برای تبیین سنت رزق کمک گرفته می‌شود. در این مقاله به مجاری سنت رزق می‌پردازد که یکی از آن‌ها سنت تسخیر و دیگری کار و تلاش است. همچنین مختصری به سنت برکت و ارتباط آن با سنت رزق می‌پردازد. به نظر مصنف، سنت برکت مرتبه‌ای از سنت رزق است.

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۵	حجتی و رضایی (۱۳۸۶)	جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق	این مقاله به مقدر بودن رزق و حکمت‌های آن می‌پردازد. در ادامه به مفهوم طلب رزق می‌پردازد و مقایسه‌ای را بین انواع طلب بیان می‌کند. در نهایت به این مطلب اشاره می‌شود که تلاش و تدبیر انسان در جلب رزق، از عوامل دخیل در تقدیر الهی رزق است.
۶	فولادگر (۱۳۸۲)	رزق و رزاق از دیدگاه قرآن	در این مقاله انواع رزق برحسب اعتبارات مختلف بیان می‌شود: رزق حلال و رزق حرام، رزق طالب و رزق مطلوب، رزق تکوینی و رزق تشریحی، رزق کریم، رزق گشاده و رزق تنگ، رزق حسن. همچنین اسباب توسعه و تنگی رزق نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.
۷	باقری، سپهری و مسعودی‌پور (۱۳۹۲)	تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم	در این مقاله مباحث ذیل مورد بحث قرار گرفته است: - تعریف سنت و روش استخراج آن، ویژگی‌های سنن و تقسیم‌بندی آنها. - معنای رزق و موارد استعمال آن در قرآن و صفاتی که برای آن در قرآن به کاررفته است. - دوگان‌های رزق (دنیوی اخروی، مادی معنوی و ...). - الگوی مفهومی سنت رزق که شامل رازق، رزق و مرزوق می‌شود. - قبض و بسط رزق و حکمت آن. - عوامل گشایش و تنگی رزق. - کارکردهای سنت رزق در کسب و کار. - رفتار مرزوقین در قبال قبض و بسط رزق.



ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۸	خسروی (۱۳۸۹)	وسعت رزق و روزی	در این کتاب آیات رزق و روایات آن تا حدی ذکر شده است. همچنین اسباب منع رزق و توسعه آن از دیدگاه روایات موردبررسی قرار گرفته است.
۹	کلباسی حائری (۱۳۸۹ق)	السعه و الرزق	این کتاب به زبان عربی بوده و در آن به مباحث ذیل پرداخته شده است: - اسباب فقر در روایات. - اسباب برطرف کردن فقر. - کارهایی که باعث گشایش و جلب رزق می‌شود.

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، اگرچه در برخی از پژوهش‌ها به برخی از جنبه‌های سنت رزق، مانند عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش رزق پرداخته شده است، اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، سنت رزق و قوانین مرتبط با آن و نظام حاکم بر آنها، به شکل جامع تبیین نشده است و این تحقیق از این لحاظ دارای نوآوری است.

### ۳. مفهوم رزق

ابن فارس واژه رزق را به مطلق عطا و بخشش (چه بخشش در زمان خاص و چه در غیر زمان خاص) معنا می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۳۸۸). در کتاب صحاح اللغه، رزق به معنای چیزی آمده است که از آن نفع برده می‌شود و مورد انتفاع قرار می‌گیرد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص. ۱۴۸۱). راغب اصفهانی رزق را گاهی به معنی عطا و بخشش جاری گرفته، چه دنیوی و چه اخروی؛ و گاهی به معنی نصیب و بهره گرفته است و گاهی نیز به معنی آنچه داخل شکم می‌شود و انسان به وسیله آن تغذیه می‌کند، گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۵۱). مصطفوی در کتاب خود، در جمع‌بندی معنای رزق می‌گوید: رزق بخششی خاص است که مطابق با حال طرف مقابل و احتیاجات اوست که باعث تداوم زندگی او می‌شود و به صورت مداوم و در جریان است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص. ۱۲۴).

در جمع‌بندی معانی ذکرشده، به‌نظر می‌رسد که در واژه «رزق»، سه مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردار است: الف) مورد انتفاع و بهره‌قرار گرفتن؛ ب) تطابق داشتن با حال و احتیاجات شخص؛ ج) تداوم و جریان داشتن. توجه به سه قید مذکور نشان‌دهنده تفاوت بین مفهوم رزق و مفاهیم دیگری مانند درآمد، بخشش، احسان و انفاق است؛ چراکه رزق، آن چیزی است که مطابق با نیاز فرد و احتیاجات او است و برای ادامه حیات او لازم و ضروری است و مورد انتفاع و بهره‌شخص قرار می‌گیرد. لذا در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «از مال تو، فقط آن مقدار برای توست و رزق تو به حساب می‌آید که بخوری و تمام کنی، یا بپوشی و از بین ببری و یا آنکه ببخشی و از آن درگذری و باقی آن، مال وارث است» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۱۹). در روایت دیگری امام حسن (ع) می‌فرماید: «بدان که بهره‌تو (رزق تو) از مال، چیزی بیشتر از قوت نیست و در باقی آن، خزینه‌دار بقیه می‌باشی» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص. ۵۲). با دقت در این دو روایت می‌بینیم که مفهوم رزق فقط بر مقداری از مال و دارایی اطلاق می‌شود که انسان در مسیر زندگی خود به آن نیاز داشته باشد و از آن استفاده کند و در بیش از نیاز انسان برای خودش، رزق او به حساب نمی‌آید؛ اگرچه در عرف به‌عنوان مال و دارایی شخص به حساب می‌آید. لذا رزق و درآمد دو مقوله جدا از هم هستند. طبیعتاً از هر درآمدی، آن مقداری رزق است که مورد انتفاع شخص واقع شود. به‌گفته علامه طباطبایی، اگر کسی مال بسیاری جمع کرده است که به‌غیر از اندکی از آن را استفاده نمی‌کند، در حقیقت رزق او، همان مقداری است که استفاده می‌کند و بقیه آن، رزق او نیست؛ مگر آنکه بخواهد به کسی ببخشد که از این جهت رزق او است و از جهت خوردن و استفاده کردن رزق نیست. همچنین زیادی مال، تنگی و وسعت روزی نیز دو مقوله جدا از یکدیگرند و وسعت روزی و تنگی آن، به زیادی مال و اندک بودن آن ارتباط ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۱۴۰).

لازم به ذکر است که این تعریف از واژه رزق، تنها امور مادی را شامل نمی‌شود، بلکه شامل امور معنوی مانند عزت، کرامت، علم، نبوت، خلافت، امامت و ولایت نیز می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به این مثال از عرب اشاره کرد که گفته می‌شود «رزقت علماً» (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۱۵). در قرآن کریم نیز این واژه هم در امور مادی مانند

باران (جائیه: ۵)، خوراک و نوشیدنی (بقره: ۶۰) و هم در امور معنوی مانند نبوت به‌عنوان رزق نیکو (هود: ۸۸)، پاداش اخروی (حج: ۵۸) و قرآن (بهره از قرآن) (واقعه: ۸۲) به‌کاررفته است.

درنهایت در جمع‌بندی معنای رزق این‌گونه می‌توان گفت که رزق، هر آن چیزی است که مورد انتفاع انسان قرار می‌گیرد و انسان در زندگی و حیات خود به آن نیاز داشته باشد؛ حال می‌خواهد مادی باشد یا معنوی، دنیوی باشد یا اخروی.

#### ۴. مروری بر قوانین رزق در آیات و روایات

واژه رزق با تمام مشتقات آن به‌طورکلی، ۱۲۳ بار در قرآن کریم به‌کاررفته است. در این بخش به ارائه و تبیین قوانین مرتبط با سنت رزق می‌پردازیم. در تبیین این قوانین در ابتدا به آیاتی که بیان‌کننده آن قانون هستند، اشاره می‌شود و در ادامه، روایات مرتبط نیز موردبحث قرار می‌گیرند. با توجه به محدودیت حجم مقاله، در بیان هر خرده سنت، همه آیات و روایات مرتبط بیان نمی‌شوند و تنها برخی از آنها در قالب جدول ارائه می‌شود. همچنین از ترجمه برخی از آیات و روایات نیز با توجه به محدودیت، اجتناب شده و تنها به مفهوم کلی دلالت‌کننده آن آیه و یا روایت، اشاره می‌شود.

#### ۴-۱. خداوند به‌عنوان تنها روزی‌دهنده و کفالت‌کننده رزق

در آیات گوناگون قرآن کریم به این نکته اشاره شده است که روزی‌دهنده، فقط خداوند است و روزی‌دادن، یکی از افعال مختص به خدای تعالی است (فاطر: ۳)، هرچند که اسبابی در مسیر روزی رساندن وجود داشته باشد. خداوند روزی همه مخلوقات را خود شخصاً برعهده گرفته است (هود: ۶) و خزائن آسمان‌ها و زمین، همه به دست اوست (منافقون: ۷) و اگر خداوند بخواهد، روزیش را منع کند، هیچ‌کس جلودار او نخواهد بود و نمی‌تواند به‌جای او روزی دهد (ملک: ۲۱). حال با توجه به این اوصاف، رزق را فقط از خداوند درخواست کنید (عنکبوت: ۱۷)، نه از غیر او.

جدول (۲): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۱)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(فاطر: ۳) (عنکبوت: ۱۷) (عنکبوت: ۶۰)	«هَلْ مِنْ خَالِقِ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنْ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» «إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا» «وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ»	روزی‌دهنده فقط خداوند است و هر رزقی که به انسان می‌رسد، از جانب خداوند است و هیچ‌کس غیر خداوند، مالک رزق نیست.
(منافقون: ۷) (حجر: ۲۱)	«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»	خزینه‌های هر چیزی در نزد خداوند و از آن خداوند است.
(هود: ۶) (نهج البلاغه، خ ۱۱۴) (نهج البلاغه، خ ۹۱)	«وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَدْ تَكَلَّمَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ» قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عِبَائِلُهُ الْخَلَائِقُ ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَّرَ أَقْوَاتَهُمْ»	روزی همه جنبندگان به‌عنوان حقی، برعهده خداوند است.
(ذاریات: ۵۷ و ۵۸) (طه: ۱۳۲)	«مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا إِنْ اللَّهُ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ» «وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْتَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ»	خداوند از انسان‌ها رزق نخواسته است.

خداوند با تضمین و تأمین روزی انسان‌ها، در پی آن است که به انسان این آموزه را تفهیم کند که در همه آسمان و زمین، کسی جز او، توانایی روزی‌رسانی را ندارد تا در نتیجه، این باور در انسان نهادینه گردد که با عنایت به ناتوانی همه نیروهای «مادی و

مخلوق» در تأمین روزی، از طاعت و بندگی هر چیزی، جز خداوند روی برتافته و تنها او را خالق و معبود واقعی خویش بداند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ص. ۲۵). نتیجه این قاعده و این نوع نگاه، آن می‌شود که شخص چون خداوند را روزی دهنده می‌داند، نه خودش را، در نتیجه به خاطر فقیر شدن، فرزندان خود را نمی‌کشد (اسراء: ۳۱) و چنین شخصی خودش را مالک حقیقی اموالی که خداوند روزی او کرده است، نمی‌داند و تنها خود را خلیفه و جانشین خداوند در آن مال، می‌داند و لذا در مصارفی که خداوند از او خواسته است، خرج و انفاق می‌کند (حدید: ۷) و از انفاق کردن به خاطر ترس از فقر، امتناع نمی‌ورزد.

#### ۲-۴. دستیابی به روزی در صورت توکل بر خداوند

##### جدول (۳): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۲)

نکته برداشت شده	آیه / حدیث	آدرس
هر کس بر خداوند توکل کند، او کفایت‌کننده و روزی‌دهنده‌اش خواهد بود.	«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» وَعَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «لَوْ أَنَّكُمْ تَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ»	(طلاق: ۳)  (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ص. ۳۲)

در قانون دوم این نکته بیان می‌شود که در به‌دست آوردن روزی، فقط باید به خداوند توکل کرد و از غیر او کاملاً قطع امید داشت. در لغت، توکل به معنی اعتماد کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۸۲) و واگذار کردن کار به خدا و اطمینان به حسن تدبیر و تقدیر اوست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۴۶۱).

با توجه به آیه طلاق این نکته فهمیده می‌شود که کفایت خداوند در هر چیزی از جمله رزق، به دنبال توکل بر خداوند، قطعی و حتمی است و هیچ شکی در تحقق آن وجود ندارد و خداوند امر خود را به پایان خواهد رساند. این نکته با عبارت «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» بیان شده است و نشان از آن دارد که خداوند، امر خود را به پایان رسانده و هیچ چیز نمی‌تواند، مانع او در این امر شود و لذا نباید هیچ شکی در تحقق آن داشت. منتها با

توجه به روایت، باید آن‌طور که شایسته خداوند است، نسبت به او توکل داشت و نگاه را از توجه به اسباب و علل، کاملاً جدا کرد و فقط به او امید داشت. به عبارتی باید یقین داشت که هیچ فاعلی در عالم خلقت جز او وجود ندارد و رزق و روزی و منع آن، همه از جانب اوست (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۹۴) و هیچ مخلوقی نمی‌تواند نه ضرر و نه نفع، و نه إعطا و نه منعی داشته باشد و همه‌چیز به دست خداوند متعال است و امید و ترس فقط باید نسبت به او داشت و به‌طور کامل از مردم مأیوس شد (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۶۱). آنگاه در این صورت است که خداوند کل عالم خلقت، از جمله آسمان‌ها و زمین را در جهت روزی‌رسانی به وی، بسیج می‌کند (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۱۷).

#### ۳-۴. رسیدن رزق به بندگان از آسمان

##### جدول (۴): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۳)

آیه / حدیث	آدرس	نکته برداشت‌شده
«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ» «هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الرِّزْقَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عِدَدِ قَطْرِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ لَهَا ...» قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ لْيُنْصَبْ فِي الدُّعَاءِ فَقَالَ ابْنُ سَبَّأٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ قَالَ بَلَى قَالَ فَلِمَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ أَمَا تَقْرَأُ «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ». فَمِنْ أَيْنَ يُطَلَبُ الرِّزْقُ إِلَّا مِنَ مَوْضِعِهِ وَ مَوْضِعُ الرِّزْقِ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ السَّمَاءَ»	(ذاریات: ۲۲ و ۲۳) (غافر: ۱۳) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۵۴) (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۳۲۲)	رزق در آسمان است و از آنجا به بندگان می‌رسد.

برخی از مفسرین واژه رزق در آیه ۲۲ ذاریات را به باران و یا با حذف مضاف، به سبب رزق معنا کرده و کلمه «سما» را به معنای لغوی، یعنی جهت بالا معنا کرده‌اند. ولی با توجه به روایات ذکرشده، می‌توان به گفته علامه طباطبایی، این‌گونه گفت که منظور از آسمان، معنای لغوی کلمه (که جهت بالا باشد) نیست؛ بلکه منظور از آن، عالم غیب است. چون همه موجودات از عالم غیب به عالم شهود می‌آیند (زمر: ۶؛ حدید: ۲۵ و حجر: ۲۱)؛ که یکی از آنها رزق است و از ناحیه خداوند متعال نازل می‌شود. منظور از واژه رزق نیز، تمامی موجوداتی است که انسان در بقاء خود به آنها نیاز داشته و از آنها بهره می‌برد؛ مانند خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، مصالح ساختمانی، همسران، فرزندان، علم، قدرت و دیگر فضائل انسانی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص. ۳۷۴).

#### ۴-۴. حتمی و قطعی بودن رزق

##### جدول (۵): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۴)

نکته برداشت شده	آیه / حدیث	آدرس
	«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿۲۲﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ»	(ذاریات: ۲۲ و ۲۳)
	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ نَفَثَ فِي رُوعِي رُوحُ الْقُدُسِ أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَوْفِيَ رِزْقَهَا وَ إِنْ أُتِطَّ عَلَيْهَا...»	(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۸۱)
رسیدن رزق به بندگان حتمی و قطعی است و هیچ چیز و هیچ کس، مانع رسیدن آن نیست.	قال أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته لمحمد بن الحنفية: «... اعلم أنه لن يسبقك إلى رزقك طالبٌ ولن يغلبك عليه غالبٌ ولن يحتجب عنك ما قدر لك.»	(ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ص ۳۸۶)
	قال أبو عبد الله عليه السلام: «لو كان العبد في جحر لآتاه رزقه»	(مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۰۰: ص ۳۵)
	«وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ وَلَا يَزِيدُ مِنْ نَقْصِ مَنْهُمْ زَائِدٌ»	(الصحيفة السجادية: ۲۸)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص. ۵۷)	قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكَهُ الرَّزْقُ كَمَا يُذْرِكُهُ الْمَوْتُ»	

آیه ۲۳ ذاریات، رسیدن رزق به بندگان را حتمی و قطعی ذکر می‌کند و در بیان حتمیت آن علاوه بر استفاده از اسلوب‌های تأکیدی، آن را به صحبت کردن تشبیه می‌کند؛ بدین معنا که چطور شما در مورد صحبت کردن خود شک نداشته و آن را حق می‌شمارید، رزق شما هم همین‌طور، حق و حتمی است و هیچ شکی در رسیدن آن به خود نداشته باشید. کلمه «حق» در آیه مورد بحث به معنای ثابت و نیز به معنای قضایی است که خدای تعالی آن را حتمی کرده است؛ برخلاف اینکه امری تبعی و یا اتفاقی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص. ۳۷۵). در روایات مذکور نیز صحبت از استیفاء کامل رزق انسان و گریزناپذیری آن است که دلالت بر این داشته که رزق انسان، حتمی و قطعی بوده و هر شخص، رزق خود را در دنیا به شکل کامل استیفاء می‌کند.

#### ۴-۵. تعیین رزق و قبض و بسط آن بر طبق مشیت خداوند

##### جدول (۶): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۵)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(مائده: ۶۴)	«وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»	خداوند هرطور بخواهد بر طبق مشیت خود، روزی بندگان را توسعه داده و یا تنگ می‌گرداند.
(یوسف: ۱۰۰)	«إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»	خداوند به هر که بخواهد، لطف می‌کند و روزی می‌دهد.
(شوری: ۱۹)	«اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يُرِزِقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»	
(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص. ۷۸۷)	امیرالمومنین علیه السلام: «أَلَا يَمْلِكُ إِمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَ إِذْرَارَهَا إِلَّا الرَّازِقُ»	توسه و قبض رزق، فقط به دست خداوند است.



طبق آیات ذکر شده، تعیین رزق و قبض و بسط آن به مشیت خداوند وابسته بوده و براساس آن تعیین می‌شود. به‌طورکلی مطابق با آیات قرآن، مواردی وجود دارد که تحقق آن به مشیت و خواست خداوند بستگی داشته و خداوند هرطور بخواهد آن را جاری می‌کند؛ از جمله اعطای رحمت (بقره: ۱۰۵)، هدایت کردن (بقره: ۱۴۲)، اعطای حکمت (بقره: ۲۶۹)، اعطای نبوت (بقره: ۲۴۷)، تعیین رزق و قبض و بسط آن و...؛ به‌نظر می‌رسد وقتی خداوند چیزی را وابسته به مشیت خود می‌گرداند، به نوعی می‌توان گفت که این امر کمی پیچیده می‌شود و کشف چگونگی تحقق آن سخت می‌شود؛ چراکه بنا به مشیت خود هرطور بخواهد، انجام می‌دهد و به هر که بخواهد روزی می‌دهد و برای هر که بخواهد رزقش را توسعه می‌دهد و یا تنگ می‌گرداند. البته این بدین معنا نیست که خداوند بدون قاعده، اینکار را انجام می‌دهد؛ بلکه بدین معناست که خداوند اگر بخواهد به کسی روزی دهد و روزی او را توسعه دهد و یا تنگ گرداند، هیچ‌کس جلودار او نیست و نمی‌تواند مانع او شود؛ چراکه ملک آسمان‌ها و زمین، همه از آن اوست (آل‌عمران: ۲۶؛ ملک: ۱) و خداوند آن را براساس حکمت خود انجام داده و سنت‌ها و قوانینی برای تدبیر خود، در عالم خلقت دارد.

#### ۴-۶. تقدیر روزی بندگان بر حسب صلاح آنها

جدول (۷): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۶)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت‌شده
(شوری: ۲۷)	«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ»	خداوند روزی را به اندازه مشخصی برای بنده‌اش فرو می‌فرستد.
(حجر: ۲۱)	«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»	
(زخرف: ۳۲)	«أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»	معیشت را فقط خداوند بین بندگان تقسیم می‌فرماید.

نکته برداشت شده	آیه / حدیث	آدرس
رزق بندگان، بر حسب صلاح آنها مقدر می شود.	قال الله تبارک و تعالی: «...إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغَنَىٰ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَىٰ غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَىٰ غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ...»	(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۳۵۲)
رزق مقدر، با حيله و تلاش، زياد نمي شود و با حماقت و کم کاری، کم نمی شود.	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرًا مَا يَقُولُ اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ وَ إِنِ اشْتَدَّ جَهْدُهُ وَ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ كَثُرَتْ مَكَايِدَتُهُ أَنْ يَسْبِقَ مَا سَمَّى لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَحُلْ مِنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ أَنْ يَبْلُغَ مَا سَمَّى لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَنْ يَزِدَادَ أَمْرًا نَقِيرًا بِحِدْقِهِ وَ لَمْ يَنْتَقِصْ أَمْرًا نَقِيرًا لِحَقْمِهِ» قال أبو عبد الله عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحَمَقِيِّ لِيُعْتَبِرَ الْعُقَلَاءَ وَ يَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَ لَا حِيلَةٍ»	(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۸۲)  (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۸۳)

بر طبق آیات ذکر شده، خداوند روزی بندگان را در بین آنها تقسیم فرموده و روزی هر یک از آنها را به مقداری که باعث صلاح آنها می شود، مقدر فرموده است. حکمت آن را هم این گونه بیان می فرماید که اگر روزی بندگان را بسط و گسترش دهد، آنها در روی زمین فساد خواهند کرد. چون طبیعت مال این گونه است که وقتی زیاد می شود، گردنکشی و طغیان به همراه خود می آورد.

با دقت در روایات مذکور، این نکته فهمیده می شود که رزق انسان در یک مقدار مشخصی که به صلاح اوست، تعیین می شود و تلاش زیاد یا کم، باعث افزایش و یا کاهش آن نخواهد شد. اگر رزق اندک به صلاح او باشد، خداوند رزق او را اندک قرار می دهد و اگر زیادی رزق به صلاح او باشد، خداوند رزق او را افزایش می دهد. حيله و مکر، حماقت و یا هوش و استعداد انسان، این مقدار را کم و یا زیاد نمی کند. البته لازم به ذکر است که عوامل دیگری در کم و یا زیاد کردن مقدار تعیین شده رزق، دخالت دارند که در قانون آخر ذکر خواهد شد.

#### ۴-۷. تقدیر رزق انسان از مسیر حلال

بر طبق قانون گذشته، خداوند روزی بندگان را به مقداری که به صلاح آنهاست، مقدر فرموده است. از طرف دیگر، روزی آنها را، از حرام مقدر نفرموده است؛ چراکه خود می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ» (اعراف: ۲۸) و نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ... وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (نحل: ۹۰). براساس این دو آیه، چطور ممکن است که خداوند از انجام دادن عملی نهی کند و سپس به آن امر نماید و یا آنکه چطور ممکن است، خداوند از چیزی نهی کند، ولی درعین حال، روزی انسان را منحصر در همان نهی و حرام قرار دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۱۳۸).

در روایات زیادی این نکته بیان شده است که خداوند برای هر انسانی، رزق او را از حلال مقدر فرموده است و اگر انسان به جای این رزق حلال، به سراغ رزق حرام برود و از آن استفاده کند، به مقدار رزق حرام، از رزق حلال او کاسته می‌شود و این رزق حرام به جای آن رزق حلال، برای او به حساب آمده و درعین حال، به خاطر رزق حرام مجازات می‌شود.

#### جدول (۸): برخی از روایات مرتبط با قانون (۷)

نکته برداشت شده	حدیث	آدرس
	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ خَلَقَ مَعَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ حَلَالًا فَمَنْ تَتَاوَلَ شَيْئًا مِنْهَا حَرَامًا قُصَّ بِهِ مِنْ ذَلِكَ الْحَلَالِ»	(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ص ۴۶)
رزق انسان از حلال مقدر شده است و انسان باید آن را از مسیر حلال، طلب کند نه از مسیر حرام.	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينِ جِبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي عَنْ رَبِّي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا ... فَاطْلُبُوا أَرْزَاقَكُمْ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّكُمْ إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ وَجُوهِهَا أَكَلْتُمُوهَا حَلَالًا وَ إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ غَيْرِ وَجُوهِهَا أَكَلْتُمُوهَا حَرَامًا...» قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرِّزْقُ مَقْسُومٌ عَلَى ضَرَبَيْنِ أَحَدُهُمَا وَاصِلٌ إِلَى صَاحِبِهِ وَ إِنْ لَمْ يَطْلُبْهُ وَ الْآخَرُ مُعَلَّقٌ بِطَلْبِهِ ... وَ الَّذِي قُسِمَ لَهُ بِالسَّعْيِ فَيَنْبَغِي أَنْ يَلْتَمِسَهُ مِنْ وَجُوهِهِ وَ	(ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۲۹۴)

نکته برداشت شده	حدیث	آدرس
	هُوَ مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ دُونَ غَيْرِهِ فَإِنْ طَلَبَهُ مِنْ جِهَةِ الْحَرَامِ فَوَجَدَهُ حُسْبًا عَلَيْهِ بَرِّزْقِهِ وَ حُسْبًا بِهِ»	(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۴۷)

ابن ابی الحدید معتزلی روایتی را در کتاب خود نقل می‌کند که امیر المومنین (ع) روزی نزدیک درب مسجد از استر پیاده شد و آن را به شخصی سپرد و وارد مسجد شد. آن شخص لجام استر را بیرون آورد و فرار کرد. امیر المومنین بعد از آنکه نماز به جا آورد، درحالی که دو درهم در دست داشت تا مزد آن شخص را بدهد، از مسجد خارج شد، دید که استر بدون لجام است. حضرت دو درهم به غلامش داد تا لجامی بخرد. غلام به بازار آمد و همان لجام دزدیده شده را در بازار دید و معلوم شد که شخص، آن را به دو درهم فروخته است. غلام، لجام را به دو درهم خرید و به نزد حضرت برگشت و جریان را گزارش داد. امیر المومنین فرمود: به درستی که بنده به سبب صبر نکردن و شتاب زدگی، رزق حلال را بر خود حرام می‌گرداند، درحالی که بیش از آنکه برای او مقدر شده بود، به دست نمی‌آورد (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۳، ص ۱۶۰).

#### ۴-۸. رزق مقدر حلال به مثابه رزق خیر

برخی از آیات قرآن بر این نکته دلالت دارند که رزقی که خداوند برای انسان از مسیر حلال مقدر فرموده است، خیر او است. در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

#### جدول (۹): برخی از آیات مرتبط با قانون (۸)

نکته برداشت شده	آیه	آدرس
سود حلال باقی مانده که خدا برای انسان در نظر گرفته است، خیر است.	«بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ»	(هود: ۸۶)
رزقی که پروردگار مشخص کرده است، برای انسان خیر است.	«وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ» «اَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ» «وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ» «قَالَ مَا مَكَّنِيْ فِيْهِ رَبِّيْ خَيْرٌ»	(طه: ۱۳۱) (مؤمنون: ۷۲) (کهف: ۹۵)

خداوند در آیه سوره هود، بعد از آنکه از عمل زشت قوم شعیب (کم‌فروشی و کم‌گذاشتن در وزن و پیمانه) نهی می‌کند، می‌فرماید باقیمانده سود که خداوند برای شما قرار داده است، خیر شماست، لذا سود و رزق حلالی که خداوند برای شما پسندیده است، نسبت به سودهای نامشروع و حرامی که به دنبال آن هستید، برای شما خیر است. در مورد اینکه واژه «خیر» در اینجا به چه معناست؛ به نظر می‌رسد که این واژه به معنای مصدری بوده و به معنای خوب بودن و نیک بودن است، نه به معنای بهتر بودن و ساختار اسم تفضیلی آن. به عبارت دیگر، رزق حلالی که خداوند برای شما در نظر گرفته است، مناسب حال شما بوده و مایه خیرتان است و مورد انتفاع شما می‌باشد، نه رزق حرام و سودهای نامشروع که با شما تناسب نداشته و خیر شما نیست.

#### ۹-۴. تفاوت در روزی بندگان

جدول (۱۰): برخی از آیات مرتبط با قانون (۹)

آدرس	آیه	نکته برداشت شده
(نحل: ۷۱)	«وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ»	خداوند بعضی از بندگان را بر بعضی دیگر، از لحاظ رزق برتری داده است.
(زخرف: ۳۲)  (انعام: ۱۶۵)	«نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» «وَرَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغُكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ»	خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده است تا سنت استخدام و سنت آزمایش تحقق پیدا کند.

یکی از سنت‌های خداوند آن است که روزی بندگان را متفاوت قرار داده است. انسان‌ها به‌طور کلی در جنبه‌هایی، از جمله رزق، متفاوت آفریده شده‌اند. با توجه به آیات ذکر شده، این تفاوت، گاهی مایه امتحان است که مشخص شود چه کسی به وظیفه خود عمل می‌کند (سنت ابتلاء). گاهی هم به واسطه این تفاوت، انسان‌ها با هم ارتباط پیدا کرده و جامعه به هم گره می‌خورد و رابطه رئیس و مرئوس و تسخیر بین انسان‌ها تعریف

شده و آنها به یکدیگر نیاز پیدا می‌کنند (سنت استخدام). در این صورت است که جامعه شکل پیدا می‌کند. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند روزی هر که را بخواهد در دستان هر کس دیگری که خود صلاح بداند، قرار می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۶۶).

از آیات قرآن این‌گونه برداشت می‌شود که خداوند اساساً نظام جامعه انسانی را به صورت مدرج قرار داده است. خداوند بر طبق سنت استخدام، انسان‌ها را نسبت به هم برتری داده تا یکدیگر را به استخدام هم درآورند و در نتیجه به یکدیگر نیاز پیدا کرده و احتیاجات آنها به وسیله همین تفضیل و تسخیر، برطرف شده و جامعه انسانی شکل پیدا کند. البته این برتری دادن در کنار انفاق‌ها (که زمینه‌های امتحان‌اند) در نهایت باید منجر به تساوی در رزق شود. این قطعاً بهتر از آن است که خداوند در ابتدا به طور مستقیم، رزق همه انسان‌ها را مساوی قرار دهد. چون این سبب خواهد شد که از طرفی جامعه در هم‌تنیده شود و از طرف دیگر، بستر امتحان و استفاده از اختیار فراهم آید.

#### ۴-۱۰. زندگی سخت به دنبال اعراض از یاد خدا

##### جدول (۱۱): برخی از آیات مرتبط با قانون (۱۰)

آدرس	آیه	نکته برداشت شده
(طه: ۱۲۴)	«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»	هر کس از یاد پروردگار اعراض کند، دچار معیشت سخت می‌شود.

کلمه «معیشه» به معنای هر آن چیزی است که به وسیله آن، ادامه حیات انسان صورت می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۹۶). کلمه «ضنک» نیز به معنی تنگ هست که درباره هر چیزی که به کار می‌رود، تنگی آن را بیان می‌کند، مانند مکان تنگ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۱۲).

آیه مذکور بیان می‌کند که هر کس از یاد خدا اعراض کند، دچار زندگی و معیشت تنگ و سخت می‌شود. منظور از زندگی تنگ و سخت، صرفاً به این معنی نیست که مال اندکی شامل حال او می‌شود؛ بلکه ممکن است شخص مال فراوانی داشته باشد، ولی نتواند از آن استفاده کند و یا ممکن است در عین حال که مال فراوان دارد، مشکلات و

سختی‌هایی زیادی در زندگی داشته باشد و دچار عدم آرامشی شود که زندگی با تمام امکانات برای وی تنگ شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص. ۲۲۴).

#### ۱۱-۴. رزق «من حیث لایحتسب» برای انسان باتقوا

#### جدول (۱۲): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۱۱)

نکته برداشت شده	آیه / حدیث	آدرس
خداوند رزق مؤمنین پرهیزکار را من حیث لایحتسب (فرای محاسبات مادی) قرار داده است.	«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» قال أبو عبد الله عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ جَعَلَ أَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ ذَلِكَ أَنْ الْعَبْدَ إِذَا لَمْ يَعْرِفْ وَجْهَ رِزْقِهِ كَثُرَ دُعَاؤُهُ» قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ أَبِي إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْمُتَّقِينَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ»	(طلاق: ۲ و ۳)  (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ص. ۳۲۸) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص. ۵۷)
آسمان‌ها و زمین ضامن رزق انسان پرهیزکار هستند.	قال أبو جعفر عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ عُلُوِّي وَ ارْتِفَاعَ مَكَانِي، لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَى نَفْسِهِ إِلَّا كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ»	(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص. ۱۳۷)

بر طبق آیه ۲ و ۳ طلاق، خداوند می‌خواهد به انسان پرهیزکار، خارج از نظام محاسباتی و ازجایی که احتمالش را نمی‌دهد، روزی دهد. علامه طباطبایی می‌فرماید: «آیات ذکر شده طلاق از آیات برجسته قرآن کریم است و مفسرین درباره هر قطعه از آن نکاتی را بیان کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص. ۳۱۶). در تفسیر نور الثقلین، از امام صادق (ع) درباره این آیه سؤال شده است. آن حضرت فرمودند که در دنیا این روزی از آنجایی که شخص حساب نمی‌کند به او می‌رسد (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۳۵۵).

بر طبق روایات خداوند می‌خواهد به‌طور خاص و ویژه، رزق انسان مؤمن پرهیزکار را برعهده گرفته و ازجایی که حساب آن را نمی‌کند، روزیش را برساند. علت این امر نیز بنابر روایات، زیاد کردن توکل انسان و التجاء و دعای او به پروردگار است.

#### ۴-۱۲. ابانداشتن خداوند از اعطای مال فراوان به کفار

جدول (۱۳): برخی از آیات مرتبط با قانون (۱۲)

نکته برداشت شده	آیه	آدرس
اگر نبود احتمال کفر مؤمنان، هرآینه خداوند به کفار، مال فراوان می‌داد.	«وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٥﴾ وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا يُتَكَوَّنُ ﴿٣٦﴾ وَ زُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»	(زخرف: ۳۳- ۳۵)
هر کس سرای دنیا را بخواهد به مقداری که خدا بخواهد، به او از آن داده می‌شود.	«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا»	(اسرا: ۱۸)

با توجه به آیات ذکرشده، هر کس که در طلب دنیا باشد و دنیا را هدف خود قرار داده باشد و امیدی به آخرت نداشته باشد، خداوند دنیا را به مقداری که خود بخواهد (نه آنکه شخص بخواهد) به او می‌دهد. همچنین اگر احتمال تحقق امت واحده بر کفر نبود، خداوند به کسانی که کفر ورزیدند و به خدا و روز جزا ایمان نیاوردند، دنیایی فوق‌العاده مهیا می‌داد. سپس در آخرت، برای آنها بهره‌ای وجود نخواهد داشت. این نشان می‌دهد که دنیا و رزق دنیایی، شیء باارزشی نیست که خداوند آن را برای کفار خواسته است. لذا اگر در دنیا، انسان مؤمن بهره شایسته‌ای از آن ندارد، این به خاطر آن است که دنیا سرای انسان مؤمن نیست؛ بلکه گذرگاهی است برای عبور به سرای آخرت و زندگی ابدی. لذا در حدی که به صلاح انسان مؤمن باشد، خداوند بهره‌ای از دنیا به او می‌دهد.





نکته برداشت شده	آیه / حدیث	آدرس
	<p>تَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ»</p>	(ملک: ۱۵)
<p>انسان باید به دنبال طلب رزق باشد و در این مسیر وظیفه خود را انجام دهد. اینکه رزق انسان کفایت و تضمین شده است، نباید مانع از طلب و کوشش در جهت دست یافتن به رزق شود.</p>	<p>عن الرضا عليه السلام: «لَيْسَ لِلنَّاسِ بُدٌّ مِنْ طَلَبِ مَعَاشِهِمْ فَلَا تَدَعِ الطَّلَبَ» عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ قَالَ لَأُقْعِدَنَّ فِي بَيْتِي وَ لَأُصَلِّينَ وَ لَأُصُومَنَّ وَ لَأُعْبِدَنَّ رَبِّي فَأَمَّا رِزْقِي فَسَيَأْتِينِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتَهُ وَ أَغْلَقَ بَابَهُ أَكَانَ يَسْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمَاءِ»</p>	<p>(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۱۷۰) (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص ۷۴)  (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص ۷۸)</p>
<p>صبح زود باید به دنبال طلب رزق رفت.</p>	<p>قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «...إِذَا صَلَّيْتُمْ الصُّبْحَ فَانصَرَفْتُمْ فَبَكَّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ اطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَ يُعِينُكُمْ عَلَيْهِ»</p>	<p>(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۱۷۰)</p>
<p>در مواقع سخت (مانند جنگ) و مواقع حساس (مانند روز قبل از ظهور)، انسان نباید دست از طلب رزق بردارد.</p>	<p>قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا هِشَامُ إِنَّ رَأَيْتَ الصَّفِيْنَ قَدِ التَّقِيَا فَلَا تَدَعِ طَلَبَ الرِّزْقِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ» قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغَكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنٌ فِي غَدٍ فَلَا تَدَعَنَّ طَلَبَ الرِّزْقِ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ»</p>	<p>(کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص ۷۸)  (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص ۷۹)</p>

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ص ۳۰۳)	عن امیر المومنین علیه السلام: «اطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضْمُونٌ لِطَالِبِهِ»	روزی برای شخص طلب‌کننده ضمانت شده است.

خداوند متعال با توجه به سنت تسخیر، موجودات را مسخر انسان گردانید، تا انسان بتواند از طریق آنها رزق خود را به دست آورد، لذا دستور به طلب و ابتغاء رزق در نزد خداوند شده است. نکته ظریفی که در آیه ۱۷ عنکبوت وجود دارد، آن است که دستور داده شده است که رزق را در نزد خداوند طلب کنید و نه در نزد غیر خداوند. غیر خداوند شامل هر چیزی می‌شود از جمله اسباب رزق. به عبارت دیگر، در عمل شخص باید به خداوند امید داشته باشد و نه به اسباب و علل و ثانیاً در حدی که خداوند خواسته است و در مسیری که او خواسته است، به دنبال طلب رزق باشد و نه هر نوع طلب و تلاشی. ممکن است سؤال شود که مگر رزق مقدر نیست؟ حال چرا باید به دنبال آن رفت و در دستیابی به آن تلاش کرد؟ در پاسخ در جمع بین لزوم طلب رزق از یک طرف و مقدر بودن رزق از طرف دیگر، این گونه می‌توان گفت که اگرچه رزق مطلوب برای شخص مقدر شده است، ولی لازم است که انسان برای رسیدن به آن، تلاش خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، این نوع رزق، مقدر است به درخواست و طلب کردن شخص. یعنی بر طبق روایات بالا این گونه نیست که انسان فقط مشغول عبادت باشد و رزق مقدر او برسد؛ بلکه شرط رسیدن رزق، آن است که انسان تلاش خود را در طلب رزق انجام دهد. این بدین دلیل است که هر رزقی سببی دارد و خداوند متعال امور خود را از طریق نظام اسباب و علل جلو می‌برد.

#### ۴-۱۵. تلاش در حد انجام وظیفه در دستیابی به رزق

#### جدول (۱۶): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۱۵)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(توبه: ۲۸)	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ	به وظیفه خود عمل کنید و نگران رزق نباشید. خداوند از فضل خود شما را غنی می‌کند.

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(کلینی، ۱۴۰۷، نور: ۳۲)	عَبْلَهُ فَسَوْفَ يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»	
(کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص: ۷۹)	عَنْ سَدِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَيُّ شَيْءٍ عَلَى الرَّجُلِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَقَالَ إِذَا فَتَحَتْ بَابَكَ وَبَسَطَتْ بِسَاطِطَكَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ»	انسان باید حداقل وظیفه خود را در طلب رزق انجام دهد.
(کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵، ص: ۸۲)	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ لِيَكُنْ طَلَبُكَ لِلْمَعِيشَةِ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ وَدُونَ طَلَبِ الْحَرِيصِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُطْمَئِنُّ إِلَيْهَا وَ لَكِنْ أَنْزَلَ نَفْسَكَ مِنْ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ الْمُنْصِفِ الْمُتَعَفِّفِ تَرَفُّعُ نَفْسِكَ عَنْ مَنْزِلَةِ الْوَاهِنِ الضَّعِيفِ وَ تَكْتَسِبُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ» عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ جِبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي عَنْ رَبِّي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ...» قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لِكُلِّ رِزْقٍ سَبَبٌ فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ»	حد طلب رزق آن است که انسان نه دنیای خود را تباه کند و نه آنکه حرص به دنیا داشته باشد و به آن دل بندد. بلکه انسان در طلب رزق، باید حالت میانه‌رو و اعتدال داشته باشد.
(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج: ۱۷، ص: ۴۰)	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَ يَطْلُبُونَهَا»	من لا يحضره الفقيه (ج ۳، ۱۵۷)
(کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲، ص: ۵۷)	قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حَرِصٌ حَرِيصٌ وَ لَا يَرُدُّهُ كَرَاهِيَةٌ كَارِهِ»	حرص ورزیدن و تلاش بیش از حد، باعث افزایش رزق نمی‌شود.

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۴۰۸) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۷۵)	قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «...وَأَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رُزِقَ وَ قَسِيمَ لَهُ وَ الْجَهْدَ لَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ...» قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرِّزْقُ يُطْلَبُ مَنْ لَا يُطْلَبُهُ»	

اساساً در نظامی که خداوند طراحی فرموده است، به راحتی روزی انسان به او می رسد و لازم نیست سخت و پیچیده و با تلاش زیاد، رزق خود را به دست آورد.

در روایات اهل بیت علیهم السلام نکات جالبی در تعیین حد و حدود تلاش برای دستیابی به رزق بیان شده است. از مجموع آنها می توان این گونه نتیجه گرفت که در مسیر تلاش برای دستیابی به رزق، انسان نباید از طرفی، تلاش بیش از حد انجام داده و در دستیابی به رزق، حرص داشته و از طرفی دیگر نیز نباید کار و تلاش را رها کند؛ بلکه باید حالت اعتدال و میانه روی در طلب رزق داشته باشد؛ نه افراط کند و نه تفریط. در این مورد تعبیر جالبی در روایات وجود دارد و آن «إجمال» در طلب و تلاش است. طریحی در معنای «أَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ» می گوید: تلاش در دسترسی به رزق، نباید تلاش فاحش باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۴۲)؛ بدین معنا که از حد و حدود خود خارج نشود (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۱۴). به طور کلی می توان از مجموع روایات این گونه نتیجه گیری کرد که حد تلاش و کوشش در دستیابی به رزق، در حد انجام وظیفه است و این به تناسب شخص فرق می کند. در یکی از روایت های بالا حداقل وظیفه شخص، با توجه به حرفه او بیان شده است.

با دقت در آموزه های دینی و مقایسه تأثیر تلاش و تدبیر برای رزق، با تأثیر تلاش و تدبیر در خصوص سایر امور اختیاری دنیوی، نقش کم رنگ تر تلاش و تدبیر در امر رزق، قابل مشاهده است. به عنوان مثال در طلب علم، تلاش انسان به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به طلب رزق دارد. امیر المومنین (ع) می فرماید: «به درستی که طلب علم بر شما واجب تر از طلب مال است. مال برایتان تقسیم و تضمین شده است و شخص عادل آن را بین شما تقسیم نموده است و رساندن آن به شما را تضمین نموده است و به وعده خود وفا خواهد

کرد. ولی علم، نزد اهلش مخزون و ذخیره است و به شما امر شده است که آن را از اهلش بجوید. بنابراین به دنبال آن بروید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۳۰). آنچه روایت به آن اشاره دارد، پررنگ بودن نقش تلاش فرد در رسیدن به علم و کم‌رنگ بودن آن در جلب رزق است. مثال دیگری که می‌توان ذکر نمود، طلب و تلاش برای پیروزی در جهاد با کفار است که توصیه شده است تا جایی که امکان دارد، تجهیزات جنگی مهیا شود (انفال: ۶۰) و هیچ حد پایانی در تلاش و تدبیر برای امر جهاد مطرح نشده است؛ برخلاف طلب رزق که در آن توصیه به اجمال و میانه‌روی در آن شده است.

نکته پایانی اینکه در عمل به وظیفه، نباید از فقر ترسید و به گمان اینکه اگر بخواهیم به وظیفه خود عمل کنیم، ممکن است فقیر شده، وظیفه خود را رها کنیم؛ بلکه خداوند وعده فرموده است که به دنبال عمل به وظیفه، ما را از فضل خود غنی خواهد کرد. با توجه به آیه ۲۸ توبه، بعد از ابلاغ دستور منع ورود مشرکین و کفار به مسجد الحرام، مسلمانان ترس از فقر و نبودن اسباب رزق خود داشتند که خداوند بعد از این دستور، وعده می‌دهد که اگر ترس از فقر دارید، خداوند از فضل خود شما را بی‌نیاز خواهد کرد. در مقابله با دشمنان، اگر طبق محاسبات مادی به خاطر قطع ارتباط با آنها به فقر دچار می‌شوید و از فقر می‌ترسید، بدانید که خداوند در این مقابله، در صورتی که به دستور و وظیفه عمل کنید، شما را از فضل خود غنی خواهد کرد. با توجه به آیه ۳۲ نور نیز این نکته برداشت می‌شود که اگر بنا بر محاسبات مادی، بخواهید به وظیفه عمل کنید و ازدواج کنید، ممکن است فقیر شوید. اما از آنجاکه عمل به وظیفه، اصل است و رزق از سوی خداوند تضمین شده است، نباید از فقر ترسید و باید به وظیفه عمل کرد.

#### ۴-۱۶. تفاوت رزق و «فضل»

##### جدول (۱۷): برخی از آیات و روایات مرتبط با قانون (۱۶)

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(نساء: ۳۲)	«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا	فضل به دست خداوند است و خداوند آن را به هر که بخواهد، می‌دهد، لذا از فضل خداوند درخواست کنید.

آدرس	آیه / حدیث	نکته برداشت شده
(حدید: ۲۹)	اَكْتَسِبْنَ وَاَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا «وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»	
(بحرانی، ۱۴۲۸، ج ۲: ص ۷۱)	عَنْ ابْنِ الْهَدَيْلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ عِبَادِهِ وَأَفْضَلَ فَضْلًا كَثِيرًا لَمْ يَقْسِمَهُ بَيْنَ أَحَدٍ. قَالَ اللَّهُ: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ.»	خداوند علاوه بر رزق مقدر که تقسیم فرموده است، فضل زیادی دارد که آن را بین کسی تقسیم نفرموده است، لذا از فضل خداوند درخواست کنید.
(مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۵: ص ۱۴۷)	عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ النَّوْمَ بَعْدَ الْفَجْرِ مَكْرُوهٌ لِأَنَّ الْأَرْزَاقَ تُقَسَّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَقَالَ الْأَرْزَاقُ مَوْطُوفَةٌ مَقْسُومَةٌ وَاللَّهُ فَضْلٌ يَقْسِمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ثُمَّ قَالَ وَذَكَرُ اللَّهُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أُنْبِغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ.»	خداوند علاوه بر رزق تقسیم شده، فضلی دارد که در بین الطلوعین آن را تقسیم می‌کند.

در بررسی سنت‌های رزق براساس آیات و روایات، این قانون تکوینی برای انسان مشخص می‌شود که در کنار مفهوم رزق، مفهومی به نام فضل وجود دارد که تمایزهایی با رزق دارد. براساس قوانین گذشته، رزق هرکسی با توجه به صلاح او، در یک مقدار مشخص، تعیین شده است. اما خداوند علاوه بر رزقی که در بین بندگان خود تقسیم کرده است، فضل زیادی دارد که آن را تقسیم نفرموده است و به هر که بخواهد، می‌دهد و دستور داده شده است که از فضل خداوند درخواست شود. فضل، مقداری فراتر از رزق مخصوص است که به واسطه رحمت الهی داده می‌شود و مقدار آن تعیین شده نیست و به واسطه دعا زیاد می‌شود. با توجه به برخی از روایات، خداوند این فضل را در بین الطلوعین در بین بندگان خود تقسیم می‌کند.





	<p>(کلینی،          ۱۴۰۷، ج ۶:          ص. ۲۸۴)</p> <p>عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا تَنْزِلُ الْمُعُونَةُ عَلَى الْقَوْمِ عَلَى قَدْرِ مُمُونَتِهِمْ»</p>	
<p>در صورت خرج کردن، خداوند متعال جایگزین می فرماید.</p>	<p>(حرعاملی،          ۱۴۰۹، ج ۹،          ص. ۱۸.)          قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَيَقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»          (کلینی،          ۱۴۰۷، ج ۴:          ص. ۴۴)          عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يُنزِلُ اللَّهُ الْمُعُونَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْعَبْدِ بِقَدْرِ الْمُؤْنَةِ فَمَنْ أَيَقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ»          (لیثی          واسطی،          ۱۳۷۶:          ص. ۴۱۴)</p>	

با دقت و تأمل در روایات، این نکته فهمیده می شود که اساساً رزق، مطابق نیاز نازل می شود. به طور کلی می توان این گونه گفت که رزق و روزی با خرج کردن و هزینه کردن رابطه مستقیم داشته و منطبق با آن، تعریف شده است نه با ذخیره کردن. در روایات به نکات جالبی در این زمینه مواجه می شویم که راه افزایش رزق، براساس خرج کردن و هزینه کردن تعریف می شود. به عنوان مثال می توان به ازدواج، فرزنددار شدن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص. ۳۳۰)، مهمانی دادن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص. ۲۸۴) اشاره کرد که بنابر محاسبات مادی، سبب کاهش رزق می شوند؛ درحالی که در روایات این موارد از اسباب توسعه رزق به حساب آمده اند.

#### ۴-۱۹ و ۲۰. عوامل توسعه و کاهش رزق

با توجه به قوانین گذشته، این نکته فهمیده شد که هر انسانی، رزقی مقدر دارد که با توجه به صلاح او، تعیین می شود و تلاش بیشتر او در دستیابی به رزق، باعث افزایش آن نخواهد شد. حال آیا عواملی وجود دارند که بتوان براساس آنها، رزق را افزایش داد؟ آیا قوانینی وجود دارند که در چارچوب آنها، رزق مقدر انسان کاهش و یا افزایش یابد؟

با بررسی آیات و روایات مرتبط با رزق، به عبارات‌های فراوانی برخورد می‌کنیم که در آنها به عواملی اشاره شده است که باعث تغییر در رزق انسان می‌شوند و آن را کاهش و یا افزایش می‌دهند. به عبارتی، خداوند در عالم خلقت، عواملی را به‌عنوان عوامل کاهشنده و یا فزاینده رزق تعریف فرموده است که براساس آنها، می‌توان مقدار رزق را تغییر داد. این عوامل هر یک خود بیان‌کننده قانونی تکوینی در رزق هستند که با توجه به کثرت آنها، امکان ذکر هر یک از آنها در قالب یک قانون مجزا در این نوشتار وجود ندارد؛ لذا این عوامل در قالب دو قانون کلی عوامل توسعه و عوامل کاهش رزق طبقه‌بندی شده‌اند که در ادامه قوانین دیگر، بیان‌کننده چگونگی جریان سنت رزق در عالم خلقت هستند. این عوامل در چهار جدول گوناگون با توجه به تنوع آنها، دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه بیان می‌شوند. در این پژوهش سعی شده است، این عوامل به‌صورت جامع از آیات و روایات احصاء شود. در این احصاء، عواملی که باعث افزایش رزق و یا رفع فقر هستند، در یک ستون و عواملی که باعث کاهش رزق و یا ایجاد فقر می‌شوند در ستون مقابل آن ارائه شده‌اند.

جدول (۲۰): عوامل معنوی توسعه و کاهش رزق

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
اطاعت از خداوند <sup>۱</sup>	گناه کردن <sup>۲</sup> ، مداومت بر گناه <sup>۳</sup> ، غنا <sup>۴</sup> و زیاد گوش دادن به آن <sup>۵</sup> ، شراب‌خواری <sup>۶</sup>
تمسک به خداوند <sup>۷</sup>	تمسک به خلق خداوند <sup>۸</sup>
رضایت نسبت به رزق <sup>۹</sup> ، شکرگذاری نسبت به نعمت‌دهنده <sup>۱۰</sup>	عدم رضایت نسبت به رزق <sup>۱۱</sup>
حضور در مسجد قبل از اذان <sup>۱۲</sup>	تعجیل کردن در خروج از مسجد <sup>۱۳</sup>
اجتناب از سوگند دروغ <sup>۱۴</sup>	سوگند دروغ <sup>۱۵</sup>
ازدواج <sup>۱۶</sup> (به‌ویژه ازدواج با زن به خاطر دین و فضلش، نه مال و جمالش) <sup>۱۷</sup> ، عیال (زن و فرزند) <sup>۱۸</sup> ، عدم ورود بسیار بر زنان در خانه‌ها <sup>۱۹</sup> ، مهمان <sup>۲۰</sup>	زنا <sup>۲۱</sup>

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
وجود نام‌های محمد، علی، احمد، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله، فاطمه در خانه <sup>۲۲</sup>	-
حج و عمره، <sup>۲۳</sup> و تکرار آن <sup>۲۴</sup>	-
زیارت امام حسین علیه‌السلام <sup>۲۵</sup>	ترک زیارت امام حسین علیه‌السلام <sup>۲۶</sup>
نماز <sup>۲۷</sup> ، جمع میان دو نماز <sup>۲۸</sup> ، نماز خواندن با تعظیم خداوند و خشوع <sup>۲۹</sup>	سبک شمردن نماز <sup>۳۰</sup>
افزایش رزق مؤمن در ماه رمضان <sup>۳۱</sup> و ماه شعبان <sup>۳۲</sup> ، روزه گرفتن در چهار روز از ماه شعبان <sup>۳۳</sup>	-
دعا پشت سر برادر مؤمن <sup>۳۴</sup>	-
دعا و طلب رزق از خداوند <sup>۳۵</sup> و پافشاری بر آن <sup>۳۶</sup> ، به‌ویژه در شب جمعه قبل طلوع فجر <sup>۳۷</sup> ، خواندن برخی دعاهای خاص برای توسعه رزق <sup>۳۸</sup> ، خواندن برخی از نمازها و ادعیه خاص <sup>۳۹</sup>	عدم درخواست از فضل خداوند <sup>۴۰</sup>
برخی اذکار، به‌ویژه حوقله (گفتن لا حول و لا قوه الا بالله) <sup>۴۱</sup> ، گفتن ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ] تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا» در اول صبح و اول شب <sup>۴۲</sup> ، سی بار تسبیح خداوند در هر روز <sup>۴۳</sup> ، سی بار گفتن ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» در هر روز <sup>۴۴</sup> ، و...	-
استغفار <sup>۴۵</sup> و فراوانی آن <sup>۴۶</sup> ، خواندن نماز استغفار <sup>۴۷</sup>	-
خواندن سوره ممتحنه <sup>۴۸</sup> و قلم <sup>۴۹</sup> در نمازهای واجب و مستحب، خواندن سوره همزه در نمازهای واجب <sup>۵۰</sup> ، خواندن سوره ابراهیم و سوره حجر در دو رکعت (یک نماز) در هر روز جمعه <sup>۵۱</sup> ، خواندن سوره محمد <sup>۵۲</sup> و قاف <sup>۵۳</sup> ، خواندن سوره ذاریات در روز یا در شب <sup>۵۴</sup>	-

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
خواندن سوره صافات در هر روز جمعه <sup>۵۵</sup> ، خواندن سوره یس <sup>۵۶</sup> و توحید <sup>۵۷</sup> ، خواندن سوره توحید بعد از هر نماز <sup>۵۸</sup> ، خواندن آیه الکرسی <sup>۵۹</sup> ، خواندن سوره واقعه در شب و در وقت عشاء <sup>۶۰</sup> ، خواندن سوره یاسین و تبارک در هر صبح <sup>۶۱</sup>	
بیدار ماندن <sup>۶۲</sup> از طلوع فجر (یا سحر <sup>۶۳</sup> ) تا طلوع خورشید و به دعا و تعقیب نماز و ذکر الهی پرداختن <sup>۶۴</sup> ، تعقیب نماز <sup>۶۵</sup> ، به ویژه تعقیب بعد از نماز صبح و نماز عصر <sup>۶۶</sup>	خوابیدن بین الطلوعین <sup>۶۷</sup> و بین العشائین <sup>۶۸</sup> ، خوابیدن به رو <sup>۶۹</sup>
نماز شب <sup>۷۰</sup> ، نافله عشا <sup>۷۱</sup> ، نافله صبح <sup>۷۲</sup>	محرومیت از نماز شب <sup>۷۳</sup>
خواندن دو رکعت نماز هنگام داخل شدن به خانه <sup>۷۴</sup> ، سلام کردن بر اهل خانه هنگام ورود به خانه و خواندن سوره توحید <sup>۷۵</sup>	-
حکایت کردن اذان <sup>۷۶</sup> (تکرار کردن جملات مؤذن هنگام شنیدن اذان) حتی در هنگام قضاء حاجت <sup>۷۷</sup>	-

#### جدول (۲۱): عوامل اخلاقی توسعه و کاهش رزق

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
ترک حرص <sup>۷۸</sup>	اظهار حرص <sup>۷۹</sup>
خوش نیتی (نیت خوش داشتن) <sup>۸۰</sup>	نیت گناه <sup>۸۱</sup>
انصاف (داشتن از جانب خود) نسبت به دیگران <sup>۸۲</sup> ، مدارا و نرمی کردن <sup>۸۳</sup> ، همدردی و مواسات با برادر دینی و یاری کردن او به خاطر خداوند، <sup>۸۴</sup> مشکل مردم را حل کردن <sup>۸۵</sup> ، جوانمردی <sup>۸۶</sup>	
نیکی (خوبی کردن) <sup>۸۷</sup> ، خوش اخلاقی <sup>۸۸</sup> ، خوش رفتاری با همسایه <sup>۸۹</sup> ، عدم اذیت و آزار مردم <sup>۹۰</sup> ، خوش رفتاری با خانواده <sup>۹۱</sup>	بداخلاقی <sup>۹۲</sup>
خوش گفتاری (سخن به حق گفتن) <sup>۹۳</sup> ، کم حرفی <sup>۹۴</sup> ، کم داد و فریاد کردن <sup>۹۵</sup>	بدهنی و ناسزا نسبت به برادر مسلمان <sup>۹۶</sup>

-	کم بیتابی کردن در اندوه <sup>۹۷</sup>
سبقت (پیشی) گرفتن بر پیران <sup>۹۸</sup>	-
-	سهل گرفتن <sup>۹۹</sup>
رد کردن سائل مرد در شب <sup>۱۰۲</sup> ، ترک انفاق <sup>۱۰۳</sup>	سخاوت، صدقه و انفاق <sup>۱۰۱</sup>
تظاهر به فقر <sup>۱۰۵</sup> ، درخواست از مردم (گدایی) <sup>۱۰۶</sup>	پوشیده داشتن احتیاج از مردم و اظهار آن نزد خدا <sup>۱۰۴</sup>
دروغ‌گویی، <sup>۱۰۹</sup> عادت به دروغ <sup>۱۱۰</sup>	راست‌گویی <sup>۱۰۷</sup> ، صحت و درستی عمل <sup>۱۰۸</sup>
قطع رحم، <sup>۱۱۳</sup> لعنت فرستادن بر فرزندان <sup>۱۱۴</sup> ، نفرین کردن به والدین <sup>۱۱۵</sup> ، صدا کردن والدین به نام آنها <sup>۱۱۶</sup>	صله‌رحم، <sup>۱۱۱</sup> به‌ویژه با والدین <sup>۱۱۲</sup>
اسراف <sup>۱۱۹</sup> و تبذیر <sup>۱۲۰</sup> ، عدم تقدیر معیشت <sup>۱۲۱</sup>	میان‌روی <sup>۱۱۷</sup> و رفق و مدارا <sup>۱۱۸</sup> در تقدیر معیشت
-	ترک سخن لغو <sup>۱۲۲</sup>

**جدول (۲۲): عوامل بهداشتی و آراستگی توسعه و کاهش رزق**

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا <sup>۱۲۳</sup>	ترک شستن دست‌ها هنگام خوردن غذا <sup>۱۲۴</sup>
کشیدن دست به صورت بعد از شستن دست <sup>۱۲۵</sup>	خشک کردن اعضاء شسته شده با آستین یا دامن <sup>۱۲۶</sup> یا حوله پس از وضو (یا شستن دست و صورت) <sup>۱۲۷</sup> ، خشک کردن صورت با دامن (پایین لباس) <sup>۱۲۸</sup>
شستن سر با خطمی <sup>۱۲۹</sup> در روز جمعه <sup>۱۳۰</sup> ، شستن سر با سدر <sup>۱۳۱</sup> ، نوره کشیدن <sup>۱۳۲</sup> و حنا مالیدن بعد از آن <sup>۱۳۳</sup>	-
مداومت بر طهارت و پاکیزگی <sup>۱۳۴</sup> ، همواره با وضو بودن <sup>۱۳۵</sup>	-

دوختن لباس در بدن <sup>۱۳۶</sup> ، ایستاده شلوار پوشیدن <sup>۱۳۷</sup> ، نشسته عمامه بر سر گذاشتن <sup>۱۳۸</sup>	-
شستن اعضای بدن در مستراح <sup>۱۴۰</sup> ، شستن دست (وضو گرفتن) در مستراح <sup>۱۴۱</sup>	ترک سخن گفتن در مستراح <sup>۱۳۹</sup>
بول کردن در حمام <sup>۱۴۲</sup> ، بول در آب راکد <sup>۱۴۳</sup> ، برهنه برخاستن از بستر برای دستشویی رفتن <sup>۱۴۴</sup> ، برهنه بول کردن <sup>۱۴۵</sup>	-
مجامعت با همسر در مقابل تابش خورشید بدون پوشش <sup>۱۴۷</sup> و یا در نیمه ماه <sup>۱۴۸</sup> سبب فقر فرزند می شود	شستن پای عروس و ریختن غساله آن به بیرون از خانه در شب زفاف <sup>۱۴۶</sup>
رها کردن خاکروبه در خانه <sup>۱۵۱</sup> ، جارو کردن خانه در شب و با لباس <sup>۱۵۲</sup> و یا پارچه <sup>۱۵۳</sup> ، رها کردن تار عنکبوت در خانه <sup>۱۵۴</sup> ، نشستن بر آستانه درب خانه <sup>۱۵۵</sup>	جارو کردن خانه <sup>۱۴۹</sup> و آستانه (حیاط) خانه <sup>۱۵۰</sup>
نشسته باقی گذاشتن ظرفها، <sup>۱۵۷</sup> گذاشتن ظرف آب به صورت دریا <sup>۱۵۸</sup>	شستن ظرفها <sup>۱۵۶</sup>
اهانت به خورده و ریزه نان <sup>۱۶۱</sup>	خوردن آنچه از سفره می افتد، <sup>۱۵۹</sup> انگشت کشیدن (لیسیدن) ته ظرف غذا <sup>۱۶۰</sup>
خلال کردن با چوب درخت گز <sup>۱۶۵</sup> ، با هر چوبی خلال کردن <sup>۱۶۶</sup>	خلال کردن <sup>۱۶۲</sup> به دنبال غذا <sup>۱۶۳</sup> ، دو بار مسواک کردن در هر روز <sup>۱۶۴</sup>
با دندان ناخن را کندن <sup>۱۷۱</sup>	ناخن گرفتن <sup>۱۶۷</sup> به ویژه در روز جمعه <sup>۱۶۸</sup> (و لو با سوهان کشیدن در صورت نداشتن ناخن <sup>۱۶۹</sup> ) و یا در روز پنجشنبه و نگه داشتن یک انگشت برای روز جمعه <sup>۱۷۰</sup>
-	کوتاه کردن شارب در روز جمعه <sup>۱۷۲</sup>
-	روشن کردن چراغ قبل از غروب خورشید <sup>۱۷۳</sup>
خاموش کردن آتش با نفس <sup>۱۷۴</sup>	-
سوزاندن (پوست) سیر و پیاز <sup>۱۷۵</sup>	-
-	گلاب <sup>۱۷۶</sup> و بر صورت زدن آن در هر روز <sup>۱۷۷</sup>

ایستاده شانه کردن مو <sup>۱۸۱</sup>	شانه کردن مو، <sup>۱۷۸</sup> زیاد شانه کردن سر <sup>۱۷۹</sup> ، شانه کردن ریش پس از هر وضو <sup>۱۸۰</sup>
-	انگشتر عقیق، <sup>۱۸۲</sup> یاقوت <sup>۱۸۳</sup> یا زمرد <sup>۱۸۴</sup> به دست کردن
-	نوشتن ذکر «ما شاء الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منك ماأا و ولدأ» بر روی نگین انگشتر عقیق <sup>۱۸۵</sup> ، نوشتن ذکر «ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله» روی نگین انگشتر <sup>۱۸۶</sup>
-	حمل عصا <sup>۱۸۷</sup> ، حمل عصای از چوب بادام تلخ در سفر و خواندن آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره مبارکه قصص <sup>۱۸۸</sup>
خوردن در حالت سیری <sup>۱۸۹</sup> ، خوردن در حال جنابت <sup>۱۹۰</sup> ، خوردن در حال قضاء حاجت <sup>۱۹۱</sup>	-

### جدول (۲۳): عوامل اقتصادی توسعه و کاهش رزق

عوامل افزایش رزق، رفع فقر	عوامل کاهش رزق، ایجاد فقر
خمس <sup>۱۹۲</sup> ، زکات <sup>۱۹۳</sup>	حبس حقوق واجب خدا (تأخیر در پرداخت حقوق خداوند) <sup>۱۹۴</sup>
امانت داری <sup>۱۹۵</sup> ، عدم کسب مال ناحق <sup>۱۹۶</sup>	خیانت <sup>۱۹۷</sup> ، حبس حق برادر مسلمان <sup>۱۹۸</sup> ، فریب برادر دینی (در معامله) <sup>۱۹۹</sup> ، حرام خواری زیاد <sup>۲۰۰</sup> ، کم فروشی <sup>۲۰۱</sup>
خوش خط بودن <sup>۲۰۲</sup>	-
تجارت کردن <sup>۲۰۳</sup>	برای کسی کار کردن (اجیر کسی شدن) <sup>۲۰۴</sup>
صبح زود به دنبال روزی رفتن <sup>۲۰۵</sup>	رفتن صبح زود به بازار و برگشت دیرهنگام (عشاء) از آن <sup>۲۰۶</sup>
خرید ملک و زمین (مزرعه یا خانه) <sup>۲۰۷</sup>	فروش ملک و زمین (مگر آنکه با پول آن زمین دیگری بخرد) <sup>۲۰۸</sup>
خرید کردن و تجارت (هرچند که گران باشد) <sup>۲۰۹</sup>	-
جسارت داشتن در تجارت (ریسک پذیری) <sup>۲۱۰</sup>	ترس داشتن در تجارت (عدم ریسک پذیری) <sup>۲۱۱</sup>

-	خرید [حیوان یا گیاه] کوچک و فروش آن وقتی که بزرگ شد <sup>۲۱۲</sup>
-	خرید چهارپا به ویژه اسب <sup>۲۱۳</sup> و گوسفند <sup>۲۱۴</sup>
-	سفرکردن برای طلب‌روزی <sup>۲۱۵</sup>
کوچک شمردن رزق‌های کم و کوچک <sup>۲۱۷</sup>	درخواست کردن رزق‌های کم و کوچک (به دنبال رزق‌های اندک رفتن) <sup>۲۱۶</sup>
خرید آرد <sup>۲۱۹</sup> ، خرید نان (برای کسی که توانایی خرید گندم را دارد) <sup>۲۲۰</sup> ، خرید نان از فقرا <sup>۲۲۱</sup>	خرید گندم <sup>۲۱۸</sup>
منع از قرض دادن خمیر و نان <sup>۲۲۳</sup> و پنیر <sup>۲۲۴</sup>	قرض دادن خمیر، نان و آتش <sup>۲۲۲</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خداوند در عالم خلقت، قوانینی را به‌عنوان سنن الهی تعریف فرموده است که از طریق آنها، تدبیر خود را در جهان خلقت جاری می‌سازد. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آنها، نقش بسیار مهمی را در زندگی انسان بازی می‌کند. نمی‌توان بدون شناخت قوانین حاکم بر هستی و بدون هماهنگی و هم‌سوئی با آنها، مسیر سعادت را طی کرد. با شناخت این سنن به‌عنوان نظام علی- معلولی و استفاده از آن، می‌توان در برآورد آینده و ساخت آن، هرچه دقیق‌تر اقدام کرد.

در این مقاله، سنت رزق به‌عنوان یکی از سنن الهی بر اساس آیات و روایات تبیین شد. در خلال این پژوهش، آیات و روایات مرتبط با رزق مورد بررسی قرار گرفت و از مجموع آنها، بیست قانون مرتبط با جریان سنت رزق در عالم خلقت ارائه گردید. می‌توان این قوانین را به‌عنوان خرده سننی در نظر گرفت که سنت کلان رزق را تبیین می‌کنند. یعنی می‌توان این خرده سنت‌ها را به‌عنوان قوانینی تلقی کرد که جریان سنت رزق از خلال آنها، تحقق پیدا می‌کند. در شکل (۱) رابطه این خرده سنن با سنت رزق نشان داده شده است.





نیاز به طلب و درخواست کردن در آن وجود ندارد. اما در رزق مطلوب، شخص باید به دنبال آن برود و آن، به طلب شخص مقدر شده است. یعنی تقدیر رزق در این حالت، مشروط به طلب شخص و تلاش برای دست‌یافتن به آن است؛ آن هم از مسیر حلال؛ چراکه خداوند دستیابی به آن را از مسیر حلال مقدر فرموده است. لذا در این نوع رزق، شخص باید در حد وظیفه به دنبال آن برود و در این نوع از رزق است که دستور به میانه‌روی و اعتدال در طلب شده است و تلاش فزاینده تر و حرص ورزیدن، سبب افزایش آن نمی‌شود. در عین حال عواملی در روایات به‌عنوان عوامل فزاینده و کاهنده رزق به‌شمار رفته است که سبب افزایش و یا کاهش رزق می‌شوند و آنها شامل هر دودسته از رزق، یعنی رزق طالب و رزق مطلوب، می‌شوند.

در کنار عنوان رزق، عنوان دیگری به نام «فضل» وجود دارد که بر طبق روایات، فضل خداوند، زیاد است و آن را بین مخلوقات تقسیم نکرده است و راه دستیابی به آن، دعا و درخواست از خداوند است. بنابراین دعا نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به فضل خداوند دارد. بر طبق برخی از روایات این فضل در بین الطلوعین بین بندگان تقسیم می‌شود و خوابیدن در این ساعت، باعث محروم شدن از آن می‌شود.

از آنجایی که مسأله رزق از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین مسائلی است که هر انسانی با آن مواجه هست، لذا فهم دقیق این سنت و خرده سنن مرتبط با آن، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. شناخت قوانین رزق، می‌تواند در کشف و تبیین هرچه دقیق‌تر نظام اقتصادی اسلام، مفید باشد. خروجی این تحقیق می‌تواند در تدوین سبک زندگی اسلامی و همچنین آینده‌پژوهی فردی شخص مسلمان، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می‌توان از خروجی این تحقیق در حوزه‌های دانشی دیگر از جمله، سواد مالی و موضوع‌های خرد مانند مدیریت درآمد، طراحی مدل‌های کسب‌وکار تا موضوع‌های کلان مانند تمدن‌سازی، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، طراحی و تدوین سیاست‌های کلان اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی استفاده کرد.

سخن پایانی آنکه، سنن الهی می‌تواند به‌عنوان خمیرمایه خیلی از مباحث حوزه علوم انسانی اسلامی، مورد توجه قرار گیرد. پژوهش‌هایی که تاکنون در بحث سنن الهی انجام شده است، در مقابل ظرفیت بالایی که این سنن و تبیین آنها دارند، بسیار اندک

به نظر می‌رسد. لازم است، تحقیقات زیادی در این حوزه صورت گیرد تا بتوان هریک از سنن الهی را به طور کامل، از آیات و روایات احصا کرد. با انجام این تحقیقات و تکمیل آنها، مجموعه کاملی از نظام سنن الهی به دست خواهد آمد که در نهایت از کنار هم قرار دادن آنها و کشف تعامل بین آنها، می‌توان به نظام جامعی در سنن رسید که در زمینه‌های گوناگون مورداستفاده قرار می‌گیرد.

### یادداشت

۱	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۳۷	۷۶	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵	۱۵۱	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۴
۲	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۷۰	۷۷	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۲	۱۵۲	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۳	تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۰۵	۷۸	ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۸۵	۱۵۳	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۴	ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۸	۷۹	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۵۴	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۷
۵	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۸۰	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۵۵	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۴
۶	نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۳۳۴	۸۱	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۵	۱۵۶	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۷	نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۱۴	۸۲	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۴۱	۱۵۷	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۴
۸	نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۱۷	۸۳	وسائل الشیعه، ج ۱۵: ۲۸۶	۱۵۸	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۵۶
۹	نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۱۴	۸۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۱۹	۱۵۹	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۱۰	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۴: ۱۸۵	۸۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۱۶۰	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵
۱۱	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۴۸	۸۶	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۳۷	۱۶۱	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶: ۲۸۴
۱۲	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۴: ۱۸۵	۸۷	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۴	۱۶۲	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۱۳	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۹	۸۸	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲	۱۶۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۷۶
۱۴	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۸۹	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸: ۳۹۶	۱۶۴	طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۵۳
۱۵	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۹۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۶۶	۱۶۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۵۸
۱۶	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۴۳۶	۹۱	عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۲۶	۱۶۶	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵
۱۷	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۳۰	۹۲	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۶: ۴۰۸	۱۶۷	بهار، ج ۷۳: ۳۱۷
۱۸	ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۶	۹۳	تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶۴	۱۶۸	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۹۰
۱۹	بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۹۰	۹۴	ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲	۱۶۹	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۲۷
۲۰	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۰۰	۹۵	طبرسی، ۱۴۲۳: ۱۴۹	۱۷۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۹۱
۲۱	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۴: ۳۱۷	۹۶	ابن بابویه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۶۰	۱۷۱	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۲۷
۲۲	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۶۷	۹۷	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۲۶	۱۷۲	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۲۴
۲۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹	۹۸	کراجکی، ۱۳۹۴: ۳۹	۱۷۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۹۱
۲۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۵۲	۹۹	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۷	۱۷۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۳۲
۲۵	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۱۶	۱۰۰	تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۷	۱۷۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۲۶	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۶	۱۰۱	تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۴۹	۱۷۶	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۲۷	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۵۹	۱۰۲	سبأ، ۳۹/ کلینی، ج ۴: ۱۰	۱۷۷	طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۴

سنت پژوهی: رویکردی نوین در آینده پژوهی ... / علیرضا افضل و رضا محمدرضاییکی  
 اندیشه‌های نوین در آینده پژوهی

۲۸	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۷۸	۱۰۳	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۴۷	۱۷۸	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۵۶
۲۹	طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۱۲	۱۰۴	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۲۷۵	۱۷۹	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۹۱
۳۰	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۲۵	۱۰۵	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۷: ۲۲۶	۱۸۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۸۹
۳۱	طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۶۸	۱۰۶	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۲	۱۸۱	شعیری، ۱۳۶۳: ۷۲
۳۲	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹۳	۱۰۷	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۹	۱۸۲	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵
۳۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹۳	۱۰۸	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۴	۱۸۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۷۰
۳۴	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۵	۱۰۹	دیلعی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۳۲	۱۸۴	طبرسی، ۱۴۱۲: ۸۷
۳۵	طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۱	۱۱۰	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۰۳	۱۸۵	طبرسی، ۱۴۱۲: ۸۹
۳۶	نوح ۱۰-۱۲	۱۱۱	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۸۶	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۳۴
۳۷	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۰۶	۱۱۲	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۵۱	۱۸۷	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۸۰
۳۸	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۶: ۳۰۶	۱۱۳	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۲۰۲	۱۸۸	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۷۰
۳۹	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۸	۱۱۴	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۸۹	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۰
۴۰	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۴۲	۱۱۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۱۹۰	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۵
۴۱	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۵۰	۱۱۶	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۷	۱۹۱	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۸۳
۴۲	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۷۱	۱۱۷	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۷	۱۹۲	ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۸۹
۴۳	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۲۵۵	۱۱۸	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۳	۱۹۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۸
۴۴	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۴۲	۱۱۹	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۱۹	۱۹۴	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۶۸
۴۵	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۵	۱۲۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۳	۱۹۵	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹
۴۶	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۶	۱۲۱	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۲	۱۹۶	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۳۳
۴۷	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۵۹	۱۲۲	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۹۷	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۰۰
۴۸	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۷۸	۱۲۳	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۸	۱۹۸	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۰۳
۴۹	طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۱۲	۱۲۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۹۰	۱۹۹	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۵
۵۰	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۲۵	۱۲۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۲۰۰	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۸۳
۵۱	طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۶۸	۱۲۶	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۹۱	۲۰۱	ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۲
۵۲	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹۳	۱۲۷	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۵	۲۰۲	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۳۴
۵۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹۳	۱۲۸	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۲۰۳	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۸
۵۴	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۵	۱۲۹	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۲۴	۲۰۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۴۸
۵۵	طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۱	۱۳۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۰۴	۲۰۵	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۳۸
۵۶	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۲	۱۳۱	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۱۸	۲۰۶	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵
۵۷	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۲۴۸	۱۳۲	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۰۴	۲۰۷	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۵۸	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۸۵	۱۳۳	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۸۸	۲۰۸	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۹۲
۵۹	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۸۱	۱۳۴	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۲۱	۲۰۹	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۷۰
۶۰	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۳۹۶	۱۳۵	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۸	۲۱۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۵۰
۶۱	۱ بحارالانوار، ج ۷۳: ۳۱۸	۱۳۶	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۰۰	۲۱۱	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۹۴
۶۲	۱ بحارالانوار، ج ۷۳: ۳۱۸	۱۳۷	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۲۱۲	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۹۴
۶۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۱۰	۱۳۸	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۲۴	۲۱۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۰۵
۶۴	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۷۸	۱۳۹	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۲۴	۲۱۴	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۴۷۷

۶۵	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۷۸	۱۴۰	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۲۱۵	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۴۴
۶۶	طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۴	۱۴۱	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۲۱۶	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۷
۶۷	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۴۲	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۷	۲۱۷	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۱۱
۶۸	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۰۱	۱۴۳	بن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۴	۲۱۸	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۱۸
۶۹	ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۰۵	۱۴۴	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۲۴	۲۱۹	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۶۷
۷۰	بحار، ج ۷۳: ۳۲۴	۱۴۵	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴	۲۲۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۶۷
۷۱	ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۴۱	۱۴۶	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۱۶	۲۲۱	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۶۷
۷۲	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۶۸	۱۴۷	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۴۹	۲۲۲	شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴
۷۳	بحارالانوار، ج ۷۳: ۳۱۸	۱۴۸	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۵۳	۲۲۳	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۱۵
۷۴	طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۲	۱۴۹	حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۰	۲۲۴	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۶۹
۷۵	محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۷۰	۱۵۰	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۳۱	۲۲۵	راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۵۴

#### کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجاده

ابراهیم دخت مقدم، مبعث (۱۳۹۲). بررسی عوامل فردی و اجتماعی بسط و قدر رزق در آیات و روایات (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده اصول الدین، قم، ایران.

ابن ابی الحدید عزالدین، ابوحامد (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه (مجتبی عراقی، تصحیح). قم: دار سید الشهداء للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال (علی اکبر غفاری، تصحیح). قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للسدوق)، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.  
ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
افضلی، علیرضا؛ پورعزت، علی اصغر؛ و گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۶). *سنت پژوهی مهدویت: رویکردی نوین به آینده مهدویت*. فصلنامه مشرق موعود، ۱۱(۴۴)، ۲۵۵-۲۸۳.  
باقری، مصباح الهدی؛ سپهری، مهدی؛ و مسعودی پور، سعید (۱۳۹۲). تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲(۶)، ۲۵۵-۲۸۷.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۲۸ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات.

بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۶). *جامع احادیث الشیعه*، تهران: فرهنگ سبز.  
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی.  
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). *صحاح اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.  
حجتی، سیدمحمدباقر؛ و رضایی، علی (۱۳۸۶). جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق. *فصلنامه پژوهشنامه قرآن و حدیث*، ۱(۳)، ۷-۳۲.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.  
خسروی، حسین (۱۳۸۹). *وسعت رزق و روزی*، قم: طوبای محبت.  
دریاب، اسلام (۱۳۹۷). *بررسی ابعاد رزق و اثر متقابل اعمال و رزق در آیات و روایات* (پایان نامه کارشناسی ارشد). پردیس شهید چمران تهران، تهران، ایران.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلی الصواب*، قم: الشریف الرضی.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات*، بیروت: دارالقلم.  
شعیری، محمد بن محمد (ب.تا). *جامع الاخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.  
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*، قم: الشریف الرضی.

- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الامالی، قم: دارالثقافه.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فولادگر، محمد (۱۳۸۲). رزق و رزاق از دیدگاه قرآن. فصلنامه کوثر، ۳(۱۰)، ۲۵-۳۵.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ق). فقه القرآن (احمد حسینی و محمود مرعشی، تصحیح) قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- کلباسی حائری، محمد (۱۳۸۹ق). السعه و الرزق، قم: مطبعه الاداب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مترجمان). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۳۹۴ق). معدن الجواهر و ریاضه الخواطر (احمد حسینی، تصحیح). تهران: المکتبه المرتضویه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۱۰ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العرب.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید
- هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۷). جایگاه اقتصادی سنت رزق. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۷(۲۸)، ۸۹-۱۱۶.
- یوسف‌وند، راضیه (۱۳۹۷). واکاوی عوامل بسط رزق مادی از منظر آیات و روایات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.